

دکتر گری میدورز، رساله اول قرن‌تیان، درس هفتم

مقدمه‌ای بر رساله اول قرن‌تیان، بخش دوم

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۷، مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان، بخش ۲ است.

خب، بیایید با سخنرانی شماره ۷ ادامه دهیم. ما در صفحه ۲۲ یادداشت‌ها هستیم. ما در مورد شهر قرن‌تیان و جنبه‌های فرهنگی قرن‌تیان صحبت می‌کنیم.

ما فقط سعی داریم چیزی را ایجاد کنیم که آن را آگاهی می‌نامیم. وقتی کتاب قرن‌تیان را می‌خوانید، اگر بتوانید بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که با آگاهی از نوع جهانی که قرن‌تیان و پولس در آن عمل می‌کردند، به آنجا بروید، به طوری که وقتی قرن‌تیان را می‌شنوید، صحبت‌های قرن‌تیان را می‌شنوید، به نوعی احساس کنید که آنجا هستید. و ما در حین پایان دادن به بحث، درباره نکات برجسته میراث رومی صحبت کردیم، اینکه روابط اجتماعی تا حد زیادی توسط فردگرایی محدود شده بود، قدرتی که توسط جایگاه اجتماعی، سوءاستفاده جنسی از دیدگاه مسیحیت، به ویژه بر اساس جایگاه اجتماعی، دادگاه‌های جعلی و غیره ایجاد می‌شد.

حالا، من این مقدمه را خیلی به گارلند ربط می‌دهم چون می‌خواهم شما یک منبع منتشر شده برای اطلاعاتتان داشته باشید، نه فقط من. فکر می‌کنم این یک تفسیر بسیار خواندنی است، و بنابراین می‌خواهم شما را به یک منبع منتشر شده مرتبط کنم چون اعتبار بیشتری دارد، و سپس می‌توانید به منابع دیگر نیز نگاه کنید. من فقط سعی می‌کنم آن را برجسته کنم.

بیایید حالا در پایین صفحه ۲۲ با زمینه مذهبی ادامه دهیم. خب، شما زمینه اجتماعی را دارید. این هم زمینه مذهبی. مانند اکثر شهرهای یونانی-رومی، قرن‌تس تا مغز استخوان مشرک بود.

همه خدایان معمول آنجا بودند، از جمله آنچه که به عنوان فرقه امپراتوری شناخته شد، که اتحادی از تاج، و تخت و محراب بود که در آن قیصر، هر طور که دوست دارید، به عنوان خدا صحبت می‌کرد. اکنون مطالعات زیادی وجود دارد، مسائل زیادی در مورد چگونگی نگاه این امپراتوران رومی به خود وجود دارد، و تنوع آن باید با جزئیات بیشتری بررسی شود. با این وجود، امپراتوران رومی بسیار شبیه خدایان رفتار می‌کردند، و برخی از آنها حتی خود را چنین می‌دانستند.

امروزه نوشته‌های زیادی در راستای فرقه امپراتوری نوشته شده است. پیدا کردن اطلاعات برای پیگیری آن برای شما خیلی سخت نخواهد بود. من روشی را که گارلند بیان می‌کند دوست دارم: زمینه مذهبی مانند صفی. از اعمال مذهبی در کافه تریا بود.

آیا تا به حال از جلوی یک کافه تریا رد شده‌اید؟ شاید هرگز آن را تجربه نکرده باشید، اما در ایالات متحده و به ویژه جنوب، کافه تریاها قبلاً بسیار محبوب بودند. شما وارد می‌شدید، یک سیخی می‌گرفتید و از میان آنها عبور می‌کردید و غذاهایی را که می‌خواستید انتخاب می‌کردید. باید کمی دوراندیشی می‌کردید زیرا صف بسیار بزرگی از غذاها موجود بود و همه این افراد آنجا بودند تا یک پیمانانه از این و یک پیمانانه از آن به شما بدهند.

در وینستون-سیلم، کارولینای شمالی بردم. او هرگز به K&W یادم می‌آید یک بار مادرشوهرم را به کافه‌تریای کافه‌تریایی نرفته بود. او در مناطق دورافتاده کارولینای شرقی بزرگ شده بود و زیاد بیرون نمی‌رفت.

خب، او به کی اند دلبلیو رفت و ما از صف رد شدیم، و من زیاد توجه نکردم چون به کافه تریا عادت داشتم. بعد برگشتم و به سینی‌اش نگاه کردم. داشت سرریز می‌شد.

او فکر می‌کرد قرار است از هر چیزی چیزی به دست آورد. خب، این حتی غیرممکن بود، گذشته از اینکه وقتی به آخر صف می‌رسیدیم، چقدر برایم گران تمام می‌شد. خب، دین در دنیای یونان-روم باستان مثل صف کافه تریا بود.

فقط انتخاب کن که چه کسی و چه چیزی می‌خواهی. این [دنیا] منبعی سرشار از خدایان باستانی و روش‌های باستانی پرستش بود. هر چه خدایان بیشتری را راضی می‌کردی و در یک طرف داشتی، برایت بهتر بود.

شما می‌توانید خدای ناشناخته را خارج از بافت آتی ببینید. آنها نمی‌خواستند خدایی را که حتی از وجودش آگاه نبودند، آزرده خاطر کنند. اگرچه کورینت و آتن بسیار متفاوت بودند، اما شهرهای رقیب بودند.

به دلیل فرهنگ کثرت‌گرا، روم فعالیت‌های مذهبی را کنترل نمی‌کرد، مگر اینکه مشکلاتی ایجاد می‌کردند. جالب است، نه؟ روم فعالیت‌های مذهبی را کنترل نمی‌کرد. این یک فرهنگ چندخدایی بود.

آنها فقط تا زمانی که آن فعالیت مذهبی برای حکومت روم مشکلی ایجاد نمی‌کرد، آن را رها می‌کردند. آه، خب، از بعضی جهات، مسیحیت به خاری در چشم حکومت روم تبدیل شد. در واقع، یهودیان مدت‌ها قبل از ظهور مسیح، خاری در چشم حکومت روم بودند.

اگر انجیل‌ها و تاریخ فلسطین را مطالعه کنیم، یکی از دلایلی که پیلاطس آنجا بود این بود که یهودیان در یهودیه چنان خار چشم روم بودند که مجبور شدند یکی از اجداد هیروود، هیروود، جد بزرگ، را بیرون کنند و پیلاطس را بیاورند تا بتواند آن شهر را اداره کند زیرا یهودیان از این نظر تا حدودی غیرقابل کنترل بودند. خب، روم تا زمانی که مشکلی پیش نمی‌آمد، آن را کنترل نمی‌کرد. اعمال رسولان ۱۷ را بخوانید.

برای اینکه با این زمینه قرن اول از ماهیت کثرت‌گرای دین آشنا شوید، رومیان ۱:۱۸ تا ۳۲ را بخوانید. بروس وینتر کتابی با عنوان «به دنبال رفاه شهر باشید» نوشته است، کتابی که شهرهای رومی را بررسی می‌کند و اینکه دیدگاه روم در برخورد با جهانشان این بود که شهر را به مرکز زندگی تبدیل کنند و همه شهروندان به دنبال رفاه آن باشند. خب، در واقع، این خیلی خوب است و در امپراتوری روم خیلی خوب جواب داد.

بخشی از رفاه شهر این بود که در مورد دین جنجال به پا نکنند. خوشحال باشید. همه خدایان به یک جا منتهی می‌شوند.

خدای خودت را پرست. از خدای دیگران انتقاد نکن. با اعتقادات مذهبی کنار بیا.

این همان دنیایی است که مسیحیت به آن وارد شد، دنیایی که ملت یهود پیش از آن در آن زندگی کرده بود. اکنون، ادیان یهودی و مسیحی انحصارگرا هستند. عیسی گفت، من راه، حقیقت و حیات هستم.

هیچ انسانی جز به وسیله‌ی من نزد پدر نمی‌آید. این بسیار انحصارگرایانه است. فراگیر نیست، بلکه انحصاری است.

این امر در تضاد با هنجارهای اجتماعی و مذهبی امپراتوری روم بود. این امر در تضاد با بسیاری از هنجارهای فرهنگ فعلی در بسیاری از کشورهای ما، همزمان با توسعه جهان، قرار دارد. انحصارگرایی مسیحیت در آن فرهنگ به خوبی جا نیفتاد، زیرا مسیحیت مروج شرک نبود.

آنها حتی توسط رومی‌ها به عنوان ملحد دیده می‌شدند. شما به خدایان اعتقاد ندارید. پس حتماً ملحد هستید.

حالا، این عجیب نیست؟ اما شما باید خودتان را جای آنها، در زمان و مکان آنها، در فرهنگ آنها قرار دهید. چطور دوست دارید مسیحی باشید و ملحد نامیده شوید؟ در یک فرهنگ چندخدایی، این اتفاق به دلیل تأکید شهر رخ می‌داد. شهر به خاطر خیر و صلاح شهر در جشنواره‌های چندخدایی قاب گرفته می‌شد.

بنابراین، اگر شما یک تاجر بودید و قرار بود جشنواره‌ای برای خیر و صلاح شهر برگزار شود، از شما انتظار می‌رفت که آن جشنواره را تأمین مالی کنید. اما اگر شما یک تاجر مسیحی بودید و آن جشنواره بر تجلیل از شرک متمرکز بود، چه؟ چگونه می‌خواهید با آن برخورد کنید؟ مسیحیان به عنوان افرادی بی‌دین و غیرمذهبی تلقی می‌شدند. آنها به دلیل عدم مشارکت در آنچه از دیدگاه شرک‌گرایانه به نفع شهر بود، از بشریت متنفر بودند.

حال، این چیزی نیست که بسیاری از ما تجربه کرده باشیم. ممکن است در آینده با توجه به برخی از فرهنگ‌هایمان شاهد آن باشیم. اما اکثر ما، حداقل خودم، در یک موقعیت نسبتاً آزاد بزرگ شده‌ایم، حتی تا جایی که توانسته‌ایم مسیح را اعلام کنیم و از نظر مدنی به شیوه‌ای منفی پاسخگو نباشیم.

اما این در آمریکا در حال تغییر است. انحصارگرایی به چیزی غیرقابل قبول تبدیل شده است - از برخی جهات بیشتر شبیه قرن اول شده است.

اعلامیه پولس در صفحه ۲۳، سومین نکته مهم در آنجا، اعلامیه پولس مبنی بر اینکه تنها عیسی خداوند است، مستقیماً فرقه امپراتوری را به چالش کشید. بنابراین، در مطالعه خود، به دنبال چند کتاب باشید. اگر این امتیاز را دارید که در موقعیتی هستید که می‌توانید به کتابخانه‌ها دسترسی داشته باشید یا جایی که می‌توانید کتاب سفارش دهید، به دنبال چند جلد کتاب عمومی در مورد فرقه امپراتوری روم بگردید و در این مورد چیزهایی بیاموزید.

خب، شهر. این شهر بسیار چندفرهنگی و چندمذهبی بود، و اگر قرار است بتوانیم کتاب اول قرن‌تین را حس کنیم، باید با آن ارتباط برقرار کنیم. علاوه بر این، تصاویر قرن‌تس باستان را نیز باید درک کنیم.

حالا، در صفحات ۲۳ تا ۲۸، یک متن نسبتاً طولانی از جزئیات مربوط به قرن‌تس باستان را خواهید یافت. همچنین این ارجاعات را در اسلایدها خواهید دید. حالا، وقتی به این گوش می‌دهید، در متن وبسایت آموزش الکترونیکی کتاب مقدس قرار خواهید گرفت.

تا آن زمان، شما قادر خواهید بود این اسلایدها را مانور دهید یا در مورد آنها توضیحی داشته باشید. در یک کلاس درس، من این اسلایدها را دارم و تا زمانی که به ما اجازه داده شود که این کار را با مجوز و غیره انجام دهیم، آنها را به آن سایت منتقل خواهیم کرد. اما شما باید بتوانید به آنجا بروید و این موارد را مشاهده کنید.

و بعد، توضیحات مربوط به اسلایدها را به شما داده‌ام. در صفحه ۲۸ متوجه خواهید شد که اسلایدها و توضیحات وجود دارد. می‌توانید خودتان برخی از این مطالب را مطرح کنید، اما این جایی است که قرار است به آن برسید.

من قصد ندارم این موارد را مرور کنم و دوباره برای شما تکرار کنم، اما آنها اینجا برای شما هستند. وقتی به صفحه ۲۸ در یادداشت‌هایتان رسیدید، لطفاً توجه کنید - متن ادبی از منابع اصلی

خب، من این بخش را به صورت اسلاید ارائه داده‌ام که می‌توانید در آن تصاویری از کورینت را ببینید همچنین در ابتدا ارائه‌ای در مورد اسکندر کبیر وجود دارد که امیدوارم تا زمانی که اجازه انجام این نوع کارها را داشته باشیم، بتوانید آن را مشاهده کنید.

می‌توانم از آن در کلاسی که افراد را دور هم جمع کرده‌ام استفاده کنم، اما وقتی روی اینترنت منتشر شود ممکن است موضوع فرق کند. اما در صفحه ۲۸، متن ادبی از منابع اولیه را خواهید دید. در اینجا، من چند نقل قول برای شما می‌آورم، به عنوان مثال، از استرابون، که یک راهنمای تور باستانی بود. اگر لطف کنید فقط از یک تشبیه مدرن استفاده کنید.

او از اواخر قرن اول پیش از میلاد تا اوایل قرن اول، درباره بسیاری از شهرهای باستانی نوشت. بنابراین، شما چیزی را می‌خوانید که چیزی بین نوشته‌های کلاسیک و نوشته‌های پولس است. در واقع، چون اواخر قرن اول پیش از میلاد است، باید شهر بازسازی شده باشد.

خب، استرابو قرار است به شما بینش‌هایی بدهد. و من اینجا از او نقل قول کرده‌ام. نقل قول‌هایی در مورد تعدادی از چیزهایی که می‌توانید بخوانید و با آنها ارتباط برقرار کنید، برایتان آورده‌ام.

این از صفحه ۲۸ تا صفحه ۳۸ ادامه دارد. امروز پیشرفت خوبی داشته‌ام، اینطور نیست؟ از نظر تعداد صفحات. این کار را به طور مفصل انجام داده‌ام تا این‌ها را به شما بدهم تا آنها را داشته باشید.

لازم نیست خودتان سعی کنید آنها را کشف کنید، اما یک منبع اصلی از آن دوره زمانی به شما می‌دهد. تا بتوانید چیزهایی در مورد قرن‌تس بشنوید، بخوانید و ببینید. در صفحه ۳۸، به پایان این بخش تصاویر می‌رسیم، هم از نظر اسلایدها و هم از نظر منابع تاریخی که برای مطالعه شما چاپ شده‌اند.

بنابراین، لطفاً به آنها توجه کنید. و امیدوارم از اینکه سعی کرده‌ایم این کار را برای شما راحت کنیم، قدردانی کنید. در صفحه ۳۸ یادداشت‌هایتان، به جایی می‌رسید که نوشته شده بخش پایان تصاویر

و به نکته‌ی ج، قرن‌تس، در رابطه با تاریخ پولس خواهید رسید. بسیار خوب. در اینجا مطالب بسیار مهمی وجود دارد که محتوای اصلی مطالعه‌ی کتاب مقدس است.

اول از همه، تأسیس کلیسای قرن‌تس. خب، در این مرحله از سخنرانی، شاید بخواهید مکث کنید و فصل کتاب اعمال رسولان را بخوانید. فصل ۱۸ کتاب اعمال رسولان، که حدود ۴۹ تا ۵۱ میلادی یا میلادی ۱۸ اتفاق می‌افتد. در آن بازه زمانی دو تا سه ساله، تأسیس کلیسای قرن‌تس را داریم.

پولس کلیسای قرن‌تس را در طول دومین سفر تبلیغی خود تأسیس کرد. مجدداً، نکاتی را برای شما ارائه می‌دهم که آشنایی با سفرهای تبلیغی اول، دوم و سوم پولس را برای شما آسان می‌کند. می‌توانید این اطلاعات را از منابع استخراج کنید، اما گاهی اوقات این کار کمی زمان می‌برد.

و این را در یادداشت‌ها به شما خواهم داد. می‌توانید به آینده نگاه کنید و آن را ببینید. بنابراین، آن زمان بود که تأسیس شد.

با این حال، سیر زمانی رابطه پولس با شهر و مردم قرن‌تس کمی پیچیده‌تر از این است. من بازسازی آن را برای شما ارائه داده‌ام. من این بازسازی را از مجموعه دو جلدی رالف مارتین در مورد مبانی عهد جدید گرفته‌ام.

این یک نوع بسیار مناسب از جزئیات آن بازسازی در صفحه ۳۹ است. و من فقط می‌خواهم به برخی از این موارد اشاره کنم. شما باید در مورد آن فکر کنید و آن را بخوانید.

اینکه فقط حرف اول را بزنید بهترین راه برای این کار نیست، اما می‌توانید بایستید و تأمل کنید. اما کاری که من انجام می‌دهم این است که به شما زمینه می‌دهم. من دارم کمی زمینه تاریخی در مورد رابطه پولس با قرن‌تس به شما می‌دهم.

بیاید به این موضوع در صفحه ۳۹ نگاهی بیندازیم. شما تأسیس کلیسا را در اعمال رسولان، فصل ۱۸، نکته اول دارید. نکته دوم، پولس در فصل ۱۸ نیز قرن‌تس را ترک می‌کند و به افسس می‌رود.

و اتفاقاً، او مدتی را در افسس به تعلیم گذراند و مردم را به گوش دادن فرا خواند. او در این دوره نامه‌ای به قرن‌تس می‌فرستد. و آن نامه، همان رساله اول قرن‌تس است.

ما در واقع در متن کتاب مقدس، شهادت‌هایی از حدود چهار باری که پولس به آنها نوشته است، داریم. برخی از آنها را در اول و دوم قرن‌تس داریم. برخی را نداریم.

اما محققان، به ویژه در رابطه با دوم قرن‌تس، استدلال خواهند کرد که بخش‌های باقی‌مانده از مکاتبات پولس با قرن‌تس در متن دوم قرن‌تس باقی مانده و در آن متن گنجانده شده است. بنابراین، به هر حال، در نکته سوم، او نامه‌ای به قرن‌تس می‌فرستد و ما آن را نامه اول قرن‌تس می‌نامیم. او در اول قرن‌تس ۵:۹ به این موضوع اشاره می‌کند. اگر به اول قرن‌تس ۵:۹ گوش دهید، من آن را اینجا مطرح می‌کنم و برای شما می‌خوانم.

من در نامه‌ام به شما نوشتم که با افراد فاسد جنسی معاشرت نکنید. اما آنها این را اشتباه برداشت کردند و بعداً در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. بنابراین، در حالی که او در حال نوشتن چیزی است که ما به عنوان اول قرن‌تس داریم، به سند دیگری اشاره می‌کند که قبلاً نوشته و برای آنها ارسال کرده بود.

ما چنین چیزی نداریم، مگر اینکه بخش‌هایی از آن را داشته باشیم که توسط خود پولس در این کتاب‌ها گنجانده شده است. بنابراین، این همان اول قرن‌تس واقعی است که در ۵:۹ به آن اشاره شده است، به عنوان نامه گمشده. برخی از محققان معتقدند که دوم قرن‌تس ۱۴:۶-۱:۷ ممکن است بخش‌هایی از آن نامه گمشده را داشته باشد.

خب، این موضوع کاملاً متفاوتی است. نکته‌ی مهم شماره چهار. پاول بعد از اینکه آن نامه را برایشان نوشت، از اعضای خانواده‌ی کلویی می‌فهمد.

در اول قرن‌تس ۱:۱۱ به کلویی اشاره شده است. به یاد دارید که کلیسای اولیه در خانه‌های مشتریان تشکیل جلسه می‌داد. آنها ساختمان نداشتند، کلیسا نداشتند، آنطور که ما امروز فکر می‌کنیم. و در ۱:۱۱، آیه ۱۰ برادران و خواهران، به نام خداوندان عیسی مسیح، از شما درخواست می‌کنم که همه شما در آنچه می‌گویید با یکدیگر توافق داشته باشید و هیچ تفرقه‌ای بین شما نباشد، بلکه کاملاً در ذهن و فکر متحد باشید.

سال ۲۰۱۱، آیه ۱۱ را می‌خوانم. برادران و (NIV) ضمناً، من معمولاً برای راحتی کار، از ترجمه جدید انجیل خواهران من، و در نسخه‌های قدیمی‌تر، به جای «برادران»، آمده است.

راستی، این همیشه شامل خواهران هم می‌شد. برادران و خواهرانم، بعضی از آنها از خانواده‌ی کلوئی. حالا کلوئی یک کلمه‌ی مونث است.

بنابراین، این باید یک حامی زن بوده باشد، جایی که مردم جمع می‌شدند و عبادت می‌کردند، نامه‌هایی را که پولس نوشته بود می‌شنیدند و درباره معنای مسیحی بودن صحبت می‌کردند. کلیسا در این قرون اولیه در خانه‌ها و مکان‌های مختلف تشکیل جلسه می‌داد و معمولاً افرادی که احتمالاً توانایی مالی بیشتری داشتند، از فرصت برگزاری این جلسات حمایت می‌کردند. بنابراین، اعضای خانواده کلوئی به پولس اطلاع دادند که کلیسا به جناح‌هایی تقسیم شده است.

خب، اینجا پولس از راه دور در حال کسب اطلاعات است.

شماره پنج. تقریباً در همان زمان، پولس نامه‌ای از قرن‌تین دریافت کرد که از او در مورد مسائل خاصی درخواست نصیحت و راهنمایی داشتند.

خب، این خیلی قشنگ بیان شده. شاید آنها در حال نوشتن نامه‌ای چالش‌برانگیز به پولس بوده‌اند. به آن نامه در ۷:۱ اشاره شده است. بعداً کمی بیشتر در این مورد صحبت خواهم کرد.

می‌گویند، حالا برای مسائلی که در موردشان نوشتی. و بعد این نقل قول را می‌آورد. در نسخه‌ای مثل ۷:۱ متوجه خواهید شد که چیز خوبی است. آنها این را در نقل قول‌ها قرار می‌دهند NIV

این چیزی است که آنها گفتند. پولس از آنها نقل قول می‌کند و سپس پاسخ خواهد داد. و ما بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت.

به این می‌گویند شعار. حالا در مورد مسائلی که در موردشان نوشتی. خب، آنها پولس را نوشتند.

آن می‌توانست یک نامه‌ی چالش‌برانگیز باشد. می‌توانست، اگر بخوایم مثبت بگوییم، می‌توانست درخواست توضیح باشد. اما من کمی بیشتر معتقدم که شاید آنها داشتند برخی از تفکرات پولس را به چالش می‌کشیدند.

در همان زمان، آنها از او خواستند که با آنها تعامل کند.

شماره شش. پولس با نوشتن نامه‌ای که ما آن را به عنوان اول قرن‌تین می‌شناسیم، به این اختلاف نظر پاسخ می‌دهد و به درخواست آنها برای مشاوره پاسخ می‌دهد.

بنابراین، خواهیم دید که آیات ۷ تا ۱۶ پاسخ پولس به تعدادی از سوالاتی است که قرن‌تین برای او فرستاده بودند. به همین دلیل است که نگارش اول قرن‌تین بسیار آسان است؛ پولس به موضوعات مختلف یکی پس از دیگری می‌پردازد. خوشحالم که آنها این نامه را برای او نوشتند.

اما می‌بینید، اول قرن‌تین در واقع همان دوم قرن‌تین است. این دومین باری است که او به آنها نامه می‌نویسد. و به سوالات آنها پاسخ می‌دهد. بنابراین، اول قرن‌تین رسمی ما اولین باری نیست که او نوشته است.

این دومین باری است که او می‌نویسد که این نامه در کتاب مقدس، اول قرن‌تین است. این نامه توسط تیطوس، طبق دوم قرن‌تین ۱۸:۱۲، گرفته شده است، که متعاقباً به افسس، جایی که پولس است، بازمی‌گردد. بنابراین می‌بینید، پولس این همراهان را داشت

تیموتائوس و تیطوس از جمله همراهان او بودند. و افراد دیگری هم بودند. برای مثال، اگر به کتاب کولسیان مراجعه کنید، به اپافراس اشاره می‌کند.

و او شاگردانی داشت، اگر بخواهید، شاگردانش. کلمه شاگرد به همین معناست. آنها شاگردان او بودند

و آنها به جاهای مختلفی فرستاده می‌شدند. آنها این طرف و آن طرف می‌دویدند و نامه می‌آوردند و نامه می‌بردند. و این یک نوع موقعیت بسیار متغیر بود که پولس مدیریت می‌کرد.

ضمناً، یوحنا رسول هم همین کار را کرد. اگر اول، دوم و سوم یوحنا را بخوانید، خواهید دید که این اتفاق در آنجا رخ داده است. مورد هفتم، تیموتائوس برای یک مأموریت ویژه به قرنتس فرستاده شد

به این موضوع در اول قرن‌تین ۴ و ۱۶ اشاره شده است. در این میان، همه این اتفاقات در حال رخ دادن است. آنها ایمیل، تویتر یا هیچ چیز دیگری نداشتند

و همه چیز باید توسط فرستادگان و قاصدان ارسال می‌شد. هفتم، تیموتائوس در این مأموریت ویژه به قرنتس فرستاده شد. هشتم، در همین حال، بحرانی جدی در قرنتس در گرفت که با ورود فرستادگان یهودی دامن زده شد.

طبق دوم قرن‌تین، اقتدار پولس به چالش کشیده می‌شود. تیموتائوس ظاهراً در مواجهه با این موضوع درمانده می‌شود. او با این خبر به افسس، جایی که پولس بود، بازمی‌گردد.

ببینید، پولس حدود دو سال در افسس بود. و این اتفاقات مدام تکرار می‌شوند. بنابراین تیموتائوس از راه می‌رسد.

اوه خدای من، ما یک مشکل داریم. حالا، این فرستادگان یهودی در نسخه کینگ جیمز، یهودی‌گرا نامیده می‌شوند. حالا، من نمی‌خواهم از بحث اصلی منحرف شوم چون می‌توانیم یک درس کامل در مورد اینکه یهودی‌گراها چه کسانی بودند، بگیریم.

اما بگذارید اینطور بگویم. یهودیان به احتمال زیاد مسیحیان یهودی بودند که برای حضور قوی‌تر یهودیت رقابت می‌کردند. من در استفاده از این کلمه احتیاط می‌کنم زیرا یهودیت در نهایت به کلمه‌ای برای آموزه‌های در حال توسعه فریسیان تبدیل می‌شود.

اما آنها خواهان نفوذ بیشتر یهودیان در گسترش آموزه‌های یهودی-مسیحی بودند که پولس به عنوان رسول غیریهودیان انجام می‌داد. بنابراین، از برخی جهات، آنها خاری در چشم پولس بودند زیرا سعی داشتند پولس را به عقب برگردانند و او را بیشتر در مرکز تفکر یهودی قرار دهند. در حالی که پولس یهودی بود و مطمئناً حقیقت آموزه‌های یهودی را به رسمیت می‌شناخت، زیرا این آموزه‌ها عهد عتیق بودند

با این حال، اوضاع در جهت مسیح‌شناختی در حال پیشرفت بود، که عهد عتیق را به انجام می‌رساند و روشن می‌کند که عهد عتیق درباره چیست. این یک عصر سیال است و دوران بسیار دشواری در قرن اول است. فقط، اگر می‌توانید، برای لحظه‌ای به عنوان یک مسیحی تصور کنید.

این کاملاً خیالی است. فرض کنید خدا می‌خواست تغییر بزرگی در تاریخ نحوه برخوردش با جهان ایجاد کند. بنابراین، او نماینده‌ای می‌فرستد و ما می‌گوییم که این نماینده، صرفاً برای مثال، فرشته‌ای است که قرار است به ما بگوید که باید در این مسیر جدید حرکت کنیم.

خب، چقدر حاضرید این کار را انجام دهید؟ می‌خواهم بگویم که اکثر ما با این موضوع مشکل خواهیم داشت. خب، در موردش فکر کنید. اینها یهودیانی هستند که کلام خدا را دارند.

رومیان باب ۲ را بخوانید. آنها کلام خدا را دریافت کردند. واقعاً. و این افراد تازه از راه رسیده، پیام‌آوران این رویداد مسیح که در فلسطین رخ داد، از راه رسیدند.

اتفاقاً، این یک نکته‌ی گذرا در تاریخ جهان در آن زمان است. حتی به همان اندازه که در روایت کتاب مقدس حیاتی است. و آنها به شما می‌گویند، باید به این تغییر رویه دهید.

می‌خواهم بگویم اولین واکنش شما این خواهد بود که مثل گربه‌ای که روی مبل است و سگ روی مبل می‌پرد، موهای پشت گردنتان را بالا بیاورید. خب، این مسیحیان یهودی‌شده این کار را کردند. و باید به خاطر سوءتفاهم‌های خودشان سرزنش شوند.

اما فکر می‌کنم وقتی وارد فرهنگ و زمان آن می‌شویم، باید متوجه شویم که این یک دنیای واقعی بوده است. این افراد در مورد چیزهایی بحث می‌کردند که اکنون ما آنها را بدیهی می‌دانیم. باید نسبت به این موضوع حساس باشیم.

آنها اقتدار پولس را به چالش می‌کشیدند. ما او را پولس رسول می‌دانیم. آنها او را، اوه، آن یهودی که به مسیحیت گروید، می‌دانستند.

ما از این بابت خوشحالیم. اما او سعی دارد کل دین ما را تغییر دهد. خب، اوضاع خیلی فرق می‌کرد، اینطور نیست؟ پولس پس از دریافت گزارش تیموتائوس مبنی بر اینکه تیموتائوس نمی‌تواند با این موضوع کنار بیاید، سفر کوتاهی به قرنتس می‌کند تا شخصاً به مسائل رسیدگی کند.

او این را در دوم قرن‌تایان ۲، دیدار دردناک می‌نامد. او به آنجا رفت تا تغییرات را در اوضاع ایجاد کند و اوضاع را سر و سامان دهد. اما پولس در برابر کلیسا تحقیر شد و مجبور شد با ناراحتی فراوان به افسس بازگردد. ملاقات خوبی نبود.

بنابراین حالا او نامه‌ای اعتراض‌آمیز و قوی به قرن‌تایان می‌نویسد که در دوم قرن‌تایان ۲ و ۷ به آن اشاره شده است. و این به عنوان نامه‌ی گریه‌آور یا شدید شناخته می‌شود که در واقع همان سوم قرن‌تایان است. بنابراین نوشته‌ی دیگری از راه می‌رسد. این سوم قرن‌تایان یا گم شده یا شاید تا حدی در بخش‌هایی از دوم قرن‌تایان حفظ شده باشد، زیرا دوم قرن‌تایان به همه این مطالب می‌پردازد.

وقتی همه چیز تمام شد، پولس به آنها نامه می‌نویسد، و شاید از نامه‌های خودش به عنوان منبع در نامه‌ای که به آنها می‌نویسد استفاده می‌کند، آن را نقل قول می‌کند و می‌گوید، بسیار خوب، حالا این موضوع را حل کردیم. آیا همه ما خوشحال نیستیم؟ آیه ۱۱، یا شماره ۱۱. طبق نقشه‌ای که در اول قرن‌تایان ۱۶ آمده

است، اما پس از مدتی تأخیر ناشی از بازدید میانی از قرنتس که در پاراگراف ۹ ذکر شده است، پولس افسس را به مقصد مقدونیه ترک می‌کند.

او به تروآس می‌آید. او نمی‌تواند تیتوس را پیدا کند، بنابراین به مقدونیه می‌رود تا تیتوس را پیدا کند و همه جا را زیر پا می‌گذارد. شماره ۱۲، او با تیتوس ملاقات می‌کند که به او می‌گوید، هی پولس، شورش در قرنتس تمام شده است.

اوضاع تحت کنترل است. ما داریم به جلو حرکت می‌کنیم. وای، این فوق‌العاده نیست؟ پولس نفس راحتی می‌کشد و دوم قرنتس را می‌نویسد، که برای ما در واقع چهارم قرنتس ماست.

دوم قرنتس کتابی است که ما به آن نگاه نخواهیم کرد، اما یک کتاب بسیار مهم و تأثیرگذار است. دوم قرنتس، خودزندگی‌نامه‌ای‌ترین نوشته‌ی پولس است. در واقع، بسیاری بخشی از دوم قرنتس را بیرون می‌کشند و از آن یک دوره آموزشی در مورد خدمت شبانی می‌سازند، زیرا بسیار شبانی است.

پاول خیلی خوشحال است که اوضاع روبراه شده. مشکلات حل شده‌اند. ما دوباره آنلاین هستیم.

و دوم قرنتس بخش زیادی از این را برای ما به ارمغان می‌آورد. ببینید، اگر دوم قرنتس را جدا از اول قرنتس و جدا از این سلسله مسائل و ملاقات‌ها و نامه‌هایی که نوشته می‌شد و بده بستانی که بین قرنتس و پولس در جریان بود، بخوانید، قدرت دوم قرنتس را از دست خواهید داد. شما باید کتاب مقدس را در متن اصلی آن بخوانید.

بنابراین، او دوم قرنتس، یا همان چهارم قرنتس واقعی ما را، یا به طور کامل یا با استفاده از بخش‌هایی که قبلاً نوشته بود، می‌نویسد. او همه چیز را گرد هم می‌آورد. پولس مسئول آن است.

این نامه را او از مقدونیه از طریق تیطوس، به همراه دو برادر دیگر، به قرنتس می‌فرستد. سپس، در اعمال رسولان ۲۰، آیه ۲. بنابراین، ما در اعمال رسولان ۱۸-۲۰ هستیم. چقدر زمان بین ۱۸-۱ و ۲۰-۲ طول کشید؟ خیلی زیاد.

سال‌ها. بین آن قسمت‌های داد و ستد بین پولس و قرنتس، سال‌ها فاصله است. خود پولس در اعمال رسولان ۲۰-۲ به قرنتس می‌رسد و دیدار خوبی با آنها دارد.

خب، قرنتس از هر مکان جغرافیایی دیگری مهم‌تر است. مهم نیست پولس چقدر در قرنتس بوده. او ممکن است زمان بیشتری را در افسس گذرانده باشد.

با این حال، میزان زمانی که پولس صرف کرده مسئله نیست. مسئله این است که او چه مدت زمان قابل توجهی را با شهر قرنتس گذرانده است، و ما گزارش‌های زیادی از آن را در اول و دوم قرنتس داریم. آیا ما از این رساله‌ها خوشحال نیستیم؟ ما باید با تمام انرژی خود به آنها پردازیم.

خب، این هم از تاریخچه‌ی پولس و کلیسای قرنتس. حالا، سفرهای تبلیغی پولس را در یادداشت‌های شما در صفحه‌ی ۴۰ وارد کرده‌ام.

من این را از سایت‌های دیگر برداشتم. در اصل سعی نکردم خودم آن را بسازم. من وب‌سایتی را که این را از آن گرفتم به شما نشان می‌دهم.

ممکن است از نظر زمانی هنوز وجود داشته باشد یا نداشته باشد. این یک محتوای کلی و مشترک است. به خودی خود تفسیر زیادی از آن ممکن نیست.

این برای این است که شما بتوانید به راحتی در مورد سفرهای پولس و سفرهای او اطلاعات کسب کنید. سه سفر تبلیغی و سپس سفر او از فلسطین به روم در ادامه. من این کار را برای شما راحت‌تر خواهم کرد.

امیدوارم از این موضوع در صفحات ۴۰، ۴۱ و ۴۲ قدردانی کنید و این را به صفحه ۴۳ منتقل کنید. آیا از اینکه چند صفحه را پوشش می‌دهیم، افتخار نمی‌کنید؟ بسیار خوب، ما در مورد تأسیس کلیسای قرن‌تس صحبت کردیم. ما به ترتیب زمانی رابطه پولس با قرن‌تس و تمام اتفاقات عظیم و جالبی که بین آنها رخ می‌دهد، نگاه می‌انداختیم.

و ما برمی‌گردیم و این سوال را می‌پرسیم که چهره کلیسای قرن‌تس چطور بود؟ بار دیگر، گارلند بخش بسیار خوبی در مورد چهره و ماهیت این کلیسا، به ویژه از دیدگاه رومی، دارد. من اینجا یک لیست مواد غذایی که همین الان از کتاب بیرون آوردم، به شما داده‌ام. این فقط یک نمونه است.

متون اول قرن‌تس به ما می‌گوید که در آنجا مبارزه طبقاتی زیادی وجود داشت. غرور فکری زیادی با پایه‌های دروغین وجود داشت. در کلیسای قرن‌تس، نوکیشان بانفوذی وجود داشتند.

افراد مرفه وجود داشتند و سپس افراد معمولی. ما می‌توانیم این را در چندین جا ببینیم. مشکلاتی وجود داشت: روحیه مهمانی، پی‌بندوباری اخلاقی و پیروی از خرد دنیوی به جای خرد الهی.

در فصل ۶ به فساد اخلاقی رسمی پرداخته شده است. مسائل جنسی از انواع و اقسام مختلف وجود داشت. اول قرن‌تس ۷ به تعدادی از زیرگروه‌های کلیسای قرن‌تس می‌پردازد که با مسائل جنسی مشکل داشتند. این باید قابل پیش‌بینی بود.

اگر از دنیای یونانی-رومی بیرون بیایید، جایی که، همانطور که در دنیای رومی گفته می‌شود، اگر زنی فقط دو مرد را به طور منظم می‌شناخت، فوق‌العاده خوب بود. آن زمان دنیایی کاملاً باز از نظر تمایلات جنسی بود. حالا، مرزهای خودش را داشت، مرزهای بسیار سختگیرانه‌ای از نظر ازدواج رسمی و غیره.

اما علاوه بر همسر قانونی، جنبه‌های فرعی دیگری نیز وجود داشت که در آنها انواع و اقسام اتفاقات جنسی رخ می‌داد. بنابراین، آنها در مواجهه با آموزه‌های جنسی یهودی-مسیحی، در مسائل جنسی، تا جایی که می‌توانستند، اغراق می‌کردند. اول قرن‌تس ۱۲-۱۴، فقدان وحدت و فقدان عشق.

این بخشی است که شما در مورد عطایا صحبت می‌کنید، اما آنچه واقعاً در حال رخ دادن است، فقدان وحدت و عشق است. ۱۲-۲، حضور یهودیان. اول قرن‌تس ۸ و ۱۰، سوء تفاهم‌هایی از مفاهیم آزادی که تا حد زیادی به مسائل جنسی مربوط می‌شد.

اما آزاد بودن مطلقاً به معنای آزاد بودن نیست؛ بلکه به معنای آزاد بودن در اطاعت از مجموعه‌ای جدید از معیارهای اخلاقی است. بنابراین، کلیسای پیچیده بود. در مورد تاریخ‌ها، مکان‌ها و ترکیب رساله‌های قانونی قرن‌تس چطور؟ خوب، همانطور که اشاره کردیم، رساله اول قرن‌تس توسط پولس در زمانی که در افسس بود، نوشته شد.

این اتفاق به احتمال زیاد در سال ۵۴-۵۵ میلادی رخ داده است. علاوه بر این، و من شواهد دیگری از آن را به شما ارائه داده‌ام، می‌توانید به راحتی در مقدمه تفاسیر به آن اشاره کنید. رساله دوم قرن‌تینان چند ماه بعد نوشته شده است.

بعد از اول قرن‌تینان، احتمالاً جایی، شاید فیلیپی در مقدونیه. در سال ۵۵-۵۶، تنها چند ماه بعد، دوم قرن‌تینان می‌آید، شاید تا یک سال. اصالت و مسائل مربوط به نگارش دوم قرن‌تینان بیشتر مورد بحث است.

رساله اول قرن‌تینان مورد بحث نیست، اما برای پرداختن به این موضوع باید مقدمه‌ها را بخوانید و مطالعات رسمی در مورد رساله دوم قرن‌تینان داشته باشید. حال، به برخی از ویژگی‌های اساسی این دو رساله می‌پردازیم. این دو رساله، رساله‌های بسیار متفاوتی هستند، اول قرن‌تینان و دوم قرن‌تینان.

اول قرن‌تینان به وحدت مسائل و نیاز به وحدت می‌پردازد. شما انواع و اقسام موقعیت‌ها را در اول قرن‌تینان پیدا می‌کنید که در آنها روحیه‌ی حزبی وجود دارد. من از پولس هستم، من از آپولس هستم.

شام خداوند افتضاح است. افرادی هستند که علاوه بر نان و پیاله، غذا را هم رعایت می‌کنند. و در اول قرن‌تینان ۱۱ انواع و اقسام مشکلات را دارید.

از نظر مشکلات، عطایای معنوی کاملاً از رده خارج شده‌اند - فردگرایی، که بخشی از آن فرهنگ بود. آزادی فردی با مسائل اجتماعی کلیسا تداخل داشت.

و بعد این عبارتی که اینجا در صفحه ۴۴ به شما دادم. صفحه ۴۴ زیر رساله اول قرن‌تینان. وحدت، یکسانی نیست.

یکنواختی: می‌خواهم واقعاً بر این نکته تأکید کنم. وحدت به معنای یکسان بودن نیست. وحدت، قدردانی از تنوع است.

من نمی‌توانم این را به اندازه کافی محکم بگویم. پولس این را در اول قرن‌تینان به طرق مختلف و بارها می‌گوید. وحدت، یکسان بودن نیست.

وحدت، لذت بردن و قدردانی از تنوع است. اگر رهبر یک وزارتخانه هستید، بهتر است این را یاد بگیرید. رهبری وزارتخانه به این معنی نیست که همه افراد کوچک را پشت سر خود به صف کنید.

در واقع، اگر این کار را امتحان کنید، در خدمت خیلی خوب عمل نخواهید کرد. وحدت به معنای مجبور کردن مردم به قالب بندی نیست. به همین دلیل است که من طرز فکر پولس و آپولو را دارم.

وحدت یعنی بتوانید آن تنوع عظیم مردمی را که به آنها خدمت می‌کنید، و با آنها کار می‌کنید، در نظر بگیرید. و اگر بخواهید، آنها را به یک ماشین تبدیل کنید، این کار مؤثر است.

با تنوع. نه علی‌رغم آن. او آن را سرکوب نمی‌کند.

اما به کار بردن این تنوع به شیوه‌هایی که برای انجیل مؤثر باشد. انجام این کار آسان نیست. همه ما شخصیت‌های خودمان را داریم.

کشیشان و رهبران مذهبی از هر نوع، از این قاعده مستثنی نیستند که این شخص را بیشتر از آن شخص دوست داشته باشند و با این شخص بیشتر از آن شخص احساس نزدیکی کنند. این طبیعت انسان است.

و ما باید این را بپذیریم، بپذیریم و به جای انکار، با آن کنار بیاییم. انکار در روابط انسانی ما بسیار عمیق است. افراد زیادی هستند که دوست ندارم زمان زیادی را با آنها بگذرانم.

این به این معنی نیست که آنها آدم‌های بدی هستند. ممکن است از من بهتر باشند. اما آنها فقط با من جور در نمی‌آیند و من هم با آنها جور در نمی‌آیم. و این باعث نمی‌شود که کسی این اصطلاح را به آنها نسبت بدهد.

اما این توانایی تشخیص این واقعیت است که هر انسانی به نوعی جذب می‌شود به... شاید بتوانیم بگوییم افرادی که شبیه ما هستند، اما فکر می‌کنم گاهی اوقات افرادی هستند که از ما خوششان نمی‌آید. تا بتوانیم از این بده بستان لذت ببریم. اما باید از آن آگاه باشیم.

ما باید بدانیم که در دنیای خود چگونه عمل می‌کنیم. باید سطح خوبی از خودآگاهی داشته باشیم. بنابراین می‌توانیم بگوییم، می‌دانید، این شخص خیلی برای من جذاب نیست، اما می‌خواهم زمان بیشتری را با او بگذرانم.

در واقع، حتی برخی از اصول سکولار رهبری... این است که شما افرادی را که می‌توانند مشکل‌ساز باشند به خودتان نزدیک کنید، نه اینکه آنها را از خود دور کنید. و شاید خدمت گاهی اوقات خیلی به این شکل باشد در واقع، من فکر می‌کنم ما باید چنین ارتباط باز و صادقانه‌ای را در خدمت و جوامع مسیحی خود داشته باشیم.

اینکه همه همدیگر را می‌شناسند. مثل این است که عضوی از یک خانواده باشیم. ما اغلب از این تصویر کلیسا استفاده می‌کنیم، اما به ندرت این تصور درست است.

اگر در یک خانواده هستید، می‌دانید عموی فلانی چگونه کسی است. و می‌دانید پسرعموی فلانی چه کسی است. بعضی از آنها سرگرم‌کننده هستند و بعضی دیگر برای خانواده شرم‌آورند.

اما در نهایت، آنها هنوز هم خانواده هستند. و ما می‌توانیم از بودن آنها همانطور که هستند، لذت ببریم. این نوع محیطی است که باید سعی کنیم ایجاد کنیم.

محیطی برای پذیرش تنوع، نه رد آن. قرن‌تین متنوع بود. و این تنوع مشکلاتی ایجاد کرده بود زیرا طبیعت انسان با آن مخالفت می‌کرد.

به جای اینکه دنبال حقیقت و قدرت در تنوع باشیم. خب، این تنوعی است که زیر یک چتر اخلاقی خاص قرار دارد. این یک تنوع وحشی نیست.

این تنوعی نیست که مثلاً حقیقت اخلاقی را نادیده بگیرد. وسوسه‌ای که این روزها در دنیای خودمان با آن مواجه هستیم. اما به‌ویژه تنوع شخصیتی است.

که باید یاد بگیریم بپذیریم و با آن کنار بیاییم. قدرش را بدانیم. و با این حال، شاید ما اینطور نباشیم.

در موردش صادق باش. اجازه نده کسی تو را دستکاری کند و نگذار کسی تو را دستکاری کند. این موضوع را مطرح کن.

در موردش صحبت کن. باهاش کنار بیا. آگه این کار رو بکنی اوضاع خیلی بهتر میشه.

اصطلاحات کلیدی در اول قرن‌تین. دانستن، داوری کردن، تشخیص دادن، روح، روحانی، دانش، حکمت، کلیسا، جهان، قدرت یا اقتدار، مقدس، تقدیس شده. در اول قرن‌تین تأکید شخصی وجود دارد.

چون پولس بود... هیچ دوگانگی بین ما و آنها وجود نداشت. اما یک پولس و YOU. بار ضمیر شخصی ۱۴۶ جامعه‌اش وجود داشت.

و شما در زیرگروه‌های خاصی در قرن‌تس بودید که باید با آنها برخورد می‌شد. اگر بخواهید، شماها خوب و شماها بد وجود داشتند. اما تعدادشان زیاد است.

خیلی شخصی. مثلاً اگر آن را با رساله دوم قرن‌تین مقایسه کنید، ما فقط روی اصطلاحات کلیدی کار کردیم.

به اصطلاحات کلیدی در پایین صفحه ۴۴ برای دوم قرن‌تین نگاه کنید. ضعف، مصیبت، تسلی، فخر، خدمت، جلال. اینها اصطلاحات احساسی هستند.

عبارات موجود در اول قرن‌تین احساسی نیستند، بلکه منطقی‌ترند. آنها بسیار متفاوت هستند. دوم قرن‌تین قلب پولس را آشکار می‌کند.

به همین دلیل است که این کتاب بسیار روحانی است. کتابی است که بسیار مورد غفلت قرار گرفته اما کتابی است که ما به آن نیاز زیادی داریم تا در آن غرق شویم. بنابراین، ویژگی‌های اساسی رساله‌های قرن‌تین

می‌توانید به آنها فکر کنید. در مقدمه‌ها تعدادی از ویژگی‌های اساسی را در جاهای دیگر خواهید خواند. و می‌توانید خودتان آنها را آشکار کنید.

شاید بخواهید فهرست خودتان را تهیه کنید. همانطور که کتاب قرن‌تین را مطالعه می‌کنید، می‌توانید به طور مداوم آن را تکمیل کنید.

هوشیار باش. از سفر لذت ببر. خب، خوشبختانه، این سخنرانی‌ها را کمی خلاصه‌تر دریافت می‌کنم.

لازم نیست آنجا بنشینید و خیلی به حرف‌های من گوش دهید. من اینجا در صفحه ۴۴ متوقف می‌شوم، همانطور که وارد متن اصلی اول قرن‌تین می‌شویم.

می‌خواهم به مسائل ساختاری چگونگی ساختار کتاب اول قرن‌تین پردازم. من این را تا حد زیادی حفظ کردم. تا به متن خود کتاب برسیم. بنابراین، همین جا متوقف می‌شوم.

و از شما می‌خواهم که حتماً تکالیفتان را انجام دهید. و خودتان را در مورد مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که در قرن اول برای پولس و مخاطبانش مطرح بودند، آموزش دهید. و وقتی این کار را انجام دهید، می‌توانید این کتاب را بهتر بخوانید.

شما ظرافت‌ها را حس خواهید کرد. فقط کلمات را نخواهید شنید. بلکه انگار در مرکز پولس و مخاطبان‌ش نشسته‌اید.

و شنیدن و احساس کردن چیزهایی که در حال وقوع است. خدا شما را حفظ کند.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی ۷، مقدمه‌ای بر اول قرن‌تیان، بخش ۲ است.